

همایش علمی- پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۵۶۶۹ رده بندی کنگره: ح ۲۴/۴۹۳۷

تحلیل و بررسی اطلاعاتی جنگ اوکراین و روسیه

محمد زارعی

دانشجوی کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فارابی

چکیده

۵ اسفند ۱۴۰۰، روسیه تهاجم گسترده‌ای را به اوکراین، همسایه غربی خود آغاز کرد که نشان‌دهنده تشدید چشم‌گیر بحران روسیه و اوکراین است که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده بود. این تهاجم با محکومیت گسترده بین‌المللی، از جمله تحریم‌های جدید علیه روسیه، که باعث بحران مالی در روسیه شده‌است، رو به رو شد. این اقدام نظامی نگرانی‌هایی را در مورد مدت درگیری، نحوه واکنش روسیه به تحریم‌های غرب و تأثیر بالقوه آن بر اقتصاد جهانی و به ویژه بر واکنش بازارهای مالی جهانی، ایجاد می‌کند. شرق اروپا و شوروی سابق را بدون تحمیل اقدامات مشابه بر روسیه محدود می‌نماید. یک روز قبل از حمله، رئیس‌جمهور روسیه مدعی شد که مایل به مذاکره است. با این حال وقتی روسیه در اوایل فوریه هشدار افزایش نیرو را منتشر کرد، همزمان همکاری با سازمان امنیت و همکاری اروپا را رد کرد. این سازمان یک نهاد بین‌دولتی است که هدف آن کاهش تنش‌های نظامی از طریق تقویت شفافیت است. اوکراین خواستار توضیح در مورد نیروهای روسیه در نزدیکی مرز این کشور شد. زیرا اعضای سازمان امنیت و همکاری اروپا باید برای رزمایش‌هایی که حداقل ۹ هزار سرباز در آن شرکت می‌کنند، اطلاع رسانی کنند. اما روسیه از شرکت در جلسات مشترک درباره این موضوع خودداری کرد.

واژگان کلیدی: تحلیل اطلاعاتی، جنگ، روسیه، اوکراین.

بخش اول: مقدمه و بیان مساله

روسیه پس از مقدمه چینی‌های فراوان در روز ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد و در توضیح علت حمله بیان کرد که با وجود کارهایی که امروزه اوکراین انجام می‌دهد نمی‌تواند احساس امنیت کند. منظور روسیه از کارهای جدید اوکراین عضو شدن این کشور در ناتو است. روسیه کلمات حمله و جنگ را به کار نمی‌برد و از عبارت عملیات ویژه نظامی استفاده می‌کند و معتقد که اوکراین نازی شده است کند و هدفش از این اقدام این است که مردم اوکراین را از دست ظلم‌ها و نسل‌کشی‌ای که در این کشور اتفاق خواهد افتاد نجات دهد و آن‌ها را از جنگ نازی‌ها برهاند (سمیعی و فرهنگند، ۲۰۲۲).

این ایده نازی بودن ریشه در جنگ جهانی دوم دارد که برخی از پارتیزان‌های اوکراینی حامی نازی‌ها بودند. پوتین معتقد است اینان همان کسانی هستند که در آن زمان طرف نازی‌ها بودند و قصد کشتن و نسل‌کشی روس تبارهای شرق اوکراین را دارند. این استدلال تا حدی درست است البته نه با این سطح از اغراق مثلاً گروه شبه نظامی AZOV که خود را نئونازی می‌دانند در حمله سال ۲۰۱۴ روسیه به شرق اوکراین به شدت در مقابل روسیه مقاومت کردند پس از مدتی ارتش اوکراین این گروه را به عضویت خود درآورد و هم اکنون بخشی از ارتش اوکراین هستند این گروه پیشتر نیز با جدایی طلب‌های شرق اوکراین که طرف دار روسیه بودند، درگیر بودند (افراسیابان، ۲۰۲۲).

از بعد از فروپاشی شوروری دو مشی فکری در روسیه به وجود آمد. نهضت اوراسیا و حرکت سیاسی آتلانتیست‌ها دو خط فکری در روسیه به شمار می‌رفتند. آتلانتیست‌ها؛ جریان‌های غرب‌گرا بودند. این افراد معتقد بودند روسیه برای توسعه و تعامل با دنیا باید به سبک و سیاق غربی‌ها درآید. آتلانتیست‌ها به طور کامل وابسته و رها شده در دامن غربی‌ها بودند. گروه نهضت اوراسیا به دو دسته تقسیم می‌شدند، دسته نخست؛ افراطی‌های اوراسیایی، و دسته دوم معتدل‌های اوراسیایی بودند. افراطی‌های اوراسیایی؛ معتقد بودند که غرب با ما دشمن است و با فروپاشی و پایان ظاهری جنگ سرد اتفاق خاصی نیفتاده است. این دسته از افراد همچنین معتقد بودند که دژها و سنگرهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را باید در مقابل غرب حفظ کنیم به این دلیل که چیزی از دشمنی غرب با روسیه کم نشده است (درج، ۲۰۲۲).

اوراسیایی‌های دیگر معتدل‌ها بودند. آنان معتقد بودند که این حرف درست است، غربی با ما دشمن هستند، اما در تعامل با دنیا نمی‌توان نقش غرب را نادیده گرفت و باید با آنان سازش کرد. همان حالتی که اصلاح‌طلبان داخلی دارند. برخی از اصلاح‌طلبان داخلی نیز معتقدند که غرب مقدس و خوب نیست، اما باید با آنان زندگی کرد. این جریان فکری در روسیه از قبل از فروپاشی وجود داشت (سمیعی و فرهنگ، ۲۰۲۲).

روسیه با جنگ به اوکراین قصد دارد با تایکپارچگی کشورهای سی.آی.اس (کشورهای استقلال یافته از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق)، را تضمین کند. روسیه با حمله به اوکراین تلاش می‌کند تا به این کشورها بفهماند که آنان دارای منافع مشترک هستند. برداشتن آقای زلنسکی یکی از رویکردهای روسیه است. روسیه تلاش می‌کند، در اوکراین جریانی را روی کار آورد تا برای کشورهای اروپایی و آمریکا و صهیونیستی جاسوسی نکند. سیاست روسیه این است که با کمترین تخریب و کشتار به اهداف خود برسد. اخیراً آمریکا اذعان کرده است که روس‌ها تعداد کمی از افراد و مراکز اوکراین را مورد هدف قرار داده‌اند. پیوند اوکراین و روسیه بسیار قدیمی است. بنابراین، با توجه به پیوند قدیمی این دو کشور روسیه تلاش می‌کند تا در این جنگ کمترین آسیب را به اوکراین وارد کند (Steffen et al, ۲۰۲۲).

روسیه توانست تا کشورهای دیگر را وادار کند که نفت روسیه را با روبل خریداری کنند. این اقدام باعث شد تا غربی‌ها با بحران روبرو شوند. غربی‌ها انتظار داشتند که بعد از ترک روسیه و تحریم این کشور روسیه با سهم دادن به این کشورها از آنان درخواست کند تا بمانند. روس‌ها غرب را دچار چالش کردند. آنچه آمریکا قرار بود در این تله بر سر روسیه آورد بر سر هم پیمانان خود آورد. کشورهای اروپایی نیز نسبت به سیاست‌ها آمریکا انتقاد می‌کنند. امروز نه تنها اروپاییان، بلکه عربستان و دیگر کشورها معتقد هستند که آمریکا قابل اعتماد نیست. این کشورها دلیل بی‌اعتمادی به آمریکا را چنین بیان می‌کنند که ایالات متحده سناریو می‌سازد و خودش از دور نگاه می‌کند. سر موضوع اوکراین این سیاست آمریکا بیشتر از گذشته مشخص شد. دولت‌ها انتظار داشتند تا آمریکا خود را درگیر این جنگ کند، در حالی که این کشور تنها اقدامی که برای اوکراین انجام داد ارسال تجهیزات متوسط برای اوکراین بود. در حقیقت باید گفت که آمریکا همان طور که در آنالیز درباره مسائل ایران اشتباه کرد در مورد روسیه هم دچار ارزیابی غلطی شد (Shahzad et al, ۲۰۲۲).

بخش دوم: پیش‌زمینه درگیری اوکراین و روسیه

پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، اوکراین و روسیه همچنان روابط نزدیک خود را حفظ کردند. در سال ۱۹۹۴، اوکراین موافقت کرد که زرادخانه هسته‌های خود را کنار بگذارد و تفاهم‌نامه بوداپست در مورد تضمین‌های امنیتی را، مشروط بر اینکه روسیه، بریتانیا و ایالات متحده در برابر تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی اوکراین تضمین کنند که از این کشور دفاع خواهند کرد، امضا کرد. پنج سال بعد، روسیه به‌عنوان یکی از امضاکنندگان منشور امنیت اروپا، در آن «حق ذاتی هر یک از کشورهای شرکت‌کننده برای آزادی انتخاب یا مناسبات امنیتی خود، از جمله توافق‌ها و تعهدها»، را دوباره تأیید کرد.

اوکراین علی‌رغم اینکه از سال ۱۹۹۱ به‌عنوان یک کشور مستقل به‌رسمیت شناخته شده بود، به‌عنوان یک جمهوری تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی سابق، توسط رهبری روسیه به‌عنوان بخشی از حوزه نفوذ آن تلقی می‌شد. در سال ۲۰۰۸، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، علیه پیوستن احتمالی اوکراین به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) سخنرانی کرد. در سال ۲۰۰۹، یولیان چیفکو، تحلیلگر رومانیایی و همکارانش اظهار داشتند که روسیه نسخه به‌روز شده دکترین برژنف را در رابطه با اوکراین دنبال می‌کند، که بر پایه آن حاکمیت اوکراین نمی‌تواند بزرگتر از حاکمیت کشورهای عضو پیمان ورشو پیش از فروپاشی حوزه نفوذ شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ باشد. این دیدگاه بر این فرض بنا شده‌است که اقدامات روسیه برای آرام کردن غرب در اوایل دهه ۱۹۹۰ باید با واکنش متقابل غرب، بدون گسترش ناتو در امتداد مرز روسیه همراه می‌شد.

پس از هفته‌ها اعتراض در غالب جنبش یورومیدان (انقلاب نارنجی اوکراین) (۲۰۱۳-۲۰۱۴)، ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهور هوادار روسیه و رهبران مخالف پارلمانی اوکراین در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ توافق‌نامه‌ای را امضا کردند که خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام بود. روز بعد، یانوکوویچ پیش از رای‌گیری استیضاح از کی‌یف گریخت که باعث سلب اختیارات او به‌عنوان رئیس‌جمهور شد. رهبران مناطق شرقی روس‌زبان اوکراین همچنان وفاداری خود را به یانوکوویچ اعلام کردند، که باعث رخ دادن ناآرامی‌هایی از طرف هواداران روسیه در سال ۲۰۱۴ در اوکراین شد. این ناآرامی‌ها با الحاق کریمه به روسیه در مارس

۲۰۱۴ و جنگ در دونباس، که در آوریل ۲۰۱۴ با ایجاد جمهوری خلق دونتسک و لوهانسک توسط روسیه آغاز شد، دنبال شد.

در ژوئیه ۲۰۲۱، پوتین مقال‌های با عنوان «وحدت تاریخی روس‌ها و اوکراینی‌ها» منتشر کرد که در آن دوباره دیدگاه خود را مبنی بر اینکه روس‌ها و اوکراینی‌ها «یک ملت» هستند، تکرار کرد. تیموتی اسنایدر، تاریخ‌شناس آمریکایی، عقاید پوتین را امپریالیسم توصیف کرد. ادوارد لوکاس روزنامه‌نگار بریتانیایی آن را بازبینی تاریخی توصیف کرد. ناظران دیگر خاطرنشان کرده‌اند که رئیس‌جمهور روسیه دیدگاهی تحریف شده از اوکراین نوین و تاریخ آن دارد.

روسیه معتقد است که پیوستن احتمالی اوکراین به ناتو و به‌طور کلی گسترش ناتو امنیت ملی این کشور را تهدید می‌کند. در مقابل، اوکراین و سایر کشورهای اروپایی همسایه، روسیه پوتین را به تلاش برای احیای امپراتوری روسیه و به‌دنبال آن سیاست‌های نظامی تهاجمی متهم کرده‌اند.

درگیری با گردآوری نیروهای نظامی در مقدار زیاد، ابتدا از مارس تا آوریل ۲۰۲۱ و سپس از اکتبر ۲۰۲۱ تا فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد. در طول دومین گردآوری نظامی، روسیه خواسته‌هایی را به ایالات متحده و ناتو ارائه کرد که از جمله آن دو پیش‌نویس بود که شامل درخواست‌هایی برای آنچه از آن به عنوان «ضمانت‌های امنیتی» یاد می‌شود، از جمله قانونی الزام‌آور مبنی بر عدم پیوستن اوکراین به ناتو و همچنین کاهش نیروهای ناتو و سخت‌افزار جنگی مستقر در اروپای شرقی بود. روسیه تهدید کرد که اگر ناتو به «رویکرد تهاجمی» ادامه دهد، پاسخ نظامی نامشخصی دریافت خواهد داد.

بخش سوم: سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

ناتو یا سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۴۹ توسط آمریکا، کانادا و چند کشور اروپای غربی به منظور محافظت جمعی علیه اتحادیه جماهیر شوروی تشکیل شد. در زمان صلح، ناتو اولین پیمان نظامی ای بود که آمریکا در نیمکره غربی جهان به آن پیوست. پس از پایان جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی به سختی در تلاش برای ساخت دوباره کشورهای خود و به دنبال راهی برای برقراری امنیت بودند بازسازی اقتصاد نیاز به حجم گسترده ای از منابع و کمک‌ها بود و ایجاد امنیت نیز به ضمانتی در

قبال ظهور مجدد آلمان یا شوروی نیاز داشت دیدگاه آمریکا نسبت به اروپا این بود که اگر بخواهد جلوی پیشروی شوروی کمونیست را بگیرد باید یک اروپای قوی از لحاظ اقتصادی و نظامی در مقابل آن بایستد. در نتیجه جورج مارشال وزیر امور خارجه وقت، آمریکا طرحی برای کمک‌های گسترده اقتصادی به اروپا ارائه داد. این طرح بازسازی اقتصادی سنگین که به طرح مارشال معروف شد، نه تنها باعث تسهیل در هم تنیدگی اقتصاد اروپا شد بلکه منافع مشترکی برای آمریکا و اروپا خلق کرد نکته ی جالب این که به خاطر این طرح جورج مارشال تا کنون تنها ژنرال نظامی ای بوده که موفق به دریافت نوبل صلح شده است. یکی از اصلی‌ترین دلایل این که امروزه آمریکا ابر قدرت جهان است همین بازسازی اروپا است.

در مقابل شوروی نه تنها به کشورهای زیر مجموعه اروپای شرقی خود اجازه نداد که به طرح مارشال بپیوندند بلکه مانع پذیرش هرگونه کمک اقتصادی نیز شد و همین باعث شد که بین شرق اروپا و غرب اروپا فاصله بیافتد ایده بلوک غرب و بلوک شرق از همین جا نشئت می گیرد غرب اروپا با اقتصاد سرمایه‌داری دوست و همراه آمریکا شد و شرق اروپا تحت سلطه شوروی و مدل حکومتی کمونیستی باقی ماند.

در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ مجموعه ای از اتفاقات باعث شد که کشورهای بلوک غرب نگران امنیت فیزیکی و سیاسی خود باشند و آمریکا از نزدیک تر مسائل و امور اروپا را پیگیری کرد جنگ‌های داخلی مستمر در یونان همراه با تنش‌ها در ترکیه باعث شد که ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کند به هر دو کشور ترکیه و یونان برای سرکوب تحرکات کمونیستی کمک می کند از سوی دیگر یک کودتای حمایت شده توسط شوروی در چک اسلواکی منجر به روی کار آمدن یک قدرت کمونیستی در نزدیکی مرزهای آلمان شده بود حزب کمونیست‌ها در ایتالیا نیز داشت توجه‌ها را به سمت خود جلب می کرد و طرفدارانش رو به افزایش بودند اتفاقاتی نیز در خود آلمان در حال رخ دادن بود. شوروی قسمت شرقی برلین را تحت کنترل گرفته بود و قسمت غرب هم دست آمریکا و انگلیس و فرانسه بود. همه این اتفاقات باعث شد که کشورهای اروپای غربی رفته رفته به فکر افزایش امنیت در برابر روسیه بیافتند.

در نتیجه سال ۱۹۴۸ پیمان بروکسل بین کشورهای بریتانیای کبیر، فرانسه، بلژیک هلند و لوکزامبورگ بسته شد پیمان بدین شکل بود که در صورت حمله به هر یک از کشورها سایر کشورهای پیمان باید به آن کشور کمک کردند همزمان ترومن در آمریکا نیز به دنبال یک پیمان با اروپا بود ولی در چارچوب شورای امنیت سازمان ملل نباشد؛ زیرا شورای امنیت حق و تو داشت. در نتیجه مذاکرات برای پیمان آتلانتیک شروع شد ماه‌ها طول کشید تا واژه مناسبی برای این پیمان پیدا کرده و مفاد آن را تشریح کنند. کشورهای اروپای غربی به دنبال ضمانتی بودند که در صورت حمله آمریکا به صورت اتوماتیک وارد جنگ شود ولی طبق قانون اساسی آمریکا دستور ورود به جنگ را کنگره صادر می‌کند؛ بنابراین در پی راه حلی بودند که هم خیال اروپا از بابت ضمانت آمریکا راحت باشد و هم اینکه چیزی برخلاف قانون اساسی آمریکا تصویب نشود علاوه بر این کمک نظامی به کشورهای اروپایی مستلزم این بود که آمریکا به صورت گسترده به توانمندی‌های نظامی اروپا کمک کند از سوی دیگر اروپا در پی کمک‌های کشور به کشور بود؛ یعنی هر کشور مطالبات خود را داشت. در سوی دیگر نیز آمریکا بود اما به شرط همکاری‌های منطقه ای و نه کشور به کشور مسئله سوم هم مقیاس این پیمان بود کشورهای عضو پیمان بروکسل می‌گفتند آمریکا فقط باید از ما حمایت کند اما آمریکا می‌بیان کرد کشورهای بیشتری باید عضو باشند چون احساس می‌کرد با عضویت کشورهای بیشتر به منافع بیشتری دست می‌یابد آمریکا مایل بود که کشورهای آتلانتیک شمالی مثل کانادا، ایسلند، دانمارک، نروژ ایرلند و پرتغال نیز عضو باشند. این کشورها در کنار هم پلی می‌شدند بین ساحل‌های روبه روی هم در آتلانتیک شمالی تا عملیات‌های نظامی راحت تر انجام شود.

پس از مذاکرات فراوان در نهایت این پیمان در سال ۱۹۴۹ به امضا رسید در این پیمان کشورهای آمریکا کانادا، بلژیک، دانمارک فرانسه، ایسلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، نروژ پرتغال و پادشاهی انگلستان قرار گذاشتند که اگر به یک کشور حمله شد، دیگر کشورها درگیر جنگ شوند. این پیمان منوط به حملاتی بود که به صورت رسمی به خاک این کشورها در آتلانتیک شمالی انجام می‌شد و نه به مستعمره‌هایشان در سرزمین‌های دیگر. بعد از امضای این پیمان جنگ دو کره اتفاق افتاد و چون کره شمالی تحت حمایت رژیم کمونیستی شوروی بود، آمریکا برای ضمانت دادن بیشتر به اروپا و نشان دادن قدرتش به شوروی حمایت نظامیانش در اروپا را بیشتر کرد همزمان ناتو نیز سیاست بزرگ کردن گستردگی اش را در دستور

کار قرار داد سال ۱۹۵۲ ترکیه و یونان هم به این پیمان اضافه شدند و ۳ سال بعد جمهوری فدرال آلمان غربی نیز به ناتو پیوست.

این جا بود که شوروی هم برای مقابله با گسترش ناتو سازمان پیمان ورشو را تأسیس کرد که شامل کشورهای اروپایی بلوک شرق می شد؛ مثل آلبانی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان، رومانی و آلمان شرقی و خود شوروی از طرفی همه ی کشورهای اروپای غربی تحت حمایت چتر هسته ای آمریکا بودند و یکی از اولین دکترین های نظامی ناتو «انتقام سخت» بود ایده این بود که اگر یکی از کشورها مورد حمله قرار بگیرد آمریکا با یک حمله بزرگ هسته ای مقابله به مثل کند تا کسی حتی به فکر حمله نیافتد.

گسترش ناتو در دو موج استراتژیک اتفاق افتاد یکی در سال ۱۹۹۹ بود که لهستان جمهوری چک و مجارستان عضو شدند و موج دوم هم در سال ۲۰۰۴ بود که تعدادی از کشورهای بالتیک مثل استونی، لیتوانی و لاتویا در مرز شمالی روسیه و رومانی و بلغارستان به عضویت ناتو درآمدند. روس ها از مدت ها قبل هشدار داده بودند که با ایده گسترش ناتو مخصوصا به سمت شرق به شدت مخالف اند اما به اندازه کافی قدرت نداشتند که بخواهند کاری کنند و البته هنوز کار به کشورهای هم مرزشان نرسیده بود البته شورهای مثل استونی و لاتویا به مرزهای روسیه وصل بودند ولی از لحاظ وسعت جغرافیایی این ها کشورهای کوچک و کم خطری محسوب می شوند؛ در حالی که اوکراین یکی از بزرگترین کشورهای اروپاست. سال ۲۰۰۸ نشست بخارست انجام شد و ناتو اعلام کرد که از پیوستن گرجستان و اوکراین به ناتو استقبال می کند و توافق شد که این دو کشور به ناتو ملحق شوند. روسیه هشدار داده بود که این یعنی تهدید مستقیم امنیت روسیه و من اجازه نمی دهم که به مرزهای من بچسبید. در مرداد همان سال ۲۰۰۸ جنگی بین روسیه و گرجستان در گرفت و هنوز هم بخشی از قلمروی گرجستان تحت اشغال روسیه است. روسیه اجازه نداد که گرجستان به ناتو ملحق شود و شبیه همین اتفاق در اوکراین در حال وقوع است.

بخش چهارم: تفاوت دیدگاه روسیه با ناتو در ماهیت ناتو

به طور کلی روسیه و ناتو در سه مورد با هم تعارض دارند: ۱- ناتو خود را به عنوان پیمانی معرفی می کند که دلیل وجودی اش صرفا دفاع جمعی از اعضاست؛ در صورتی که روسیه چنین دیدگاهی را قبول ندارد و ناتو را یک سازمان صرفا دفاعی نمی بیند. ناتو در بیانیه خودش رسماً اعلام کرده که به هیچ وجه قصد تهدید روسیه را ندارد و تنها در بند پنجم اساس نامه خود از اقدامات نظامی صحبت می کند. در بند پنجم آمده است که اگر به هر یک از کشورهای عضو حمله شود، باقی کشورهای عضو باید از آن کشور دفاع کنند. ناتو همچنین در وسایت خود تأکید کرده که ناتو یک پیمان دفاعی است، اینجاست که روسیه متقاعد نمی شود و معتقد است ناتو در تاریخچه اش تجربه شرکت در درگیری هایی را داشته که هیچ ربطی به دفاع از اعضایش نداشته است. دو مورد از مثال هایی که روسیه مطرح کند کوزوو و لیبی اند. کوزوو یک کشور کوچک در شبه جزیره بالکان است که بین کشورهای صربستان مقدونیه شمالی آلبانی و مونته نگرو قرار دارد این سرزمین قبلاً تحت حاکمیت صربستان بود و حدوداً از سال ۲۰۰۸ به بعد یک کشور مستقل به حساب می آید. ناتو در سال ۱۹۹۹ در گریز کوزوو شد. آن زمان رابطه ی آمریکا و روسیه متشنج بود؛ چون از یک طرف یک مأمور سابق کا.گ.ب نخست وزیر روسیه شده بود و همزمان آمریکا-عراق را که هم تیمی روس ها محسوب می شد بمباران کرده بود و از قبل این حمله را به روسیه اطلاع نداده بود. از طرف دیگر ناتو در هر حال گسترش بود و به تازگی لهستان، مجارستان و جمهوری چک را پذیرفته بود. سوم فروردین سال ۱۹۹۹ رئیس ناتو اعلام کرد که قرار است برای جلوگیری از فجایع انسانی در یوگسلاوی ارتش صربستان را بمباران کند. این برای روس ها خوشایند نبود چون صرب ها و روس ها ریشه های اسلاویک و ارتودکس مسیحی دارند و در نتیجه بمباران کوزوو توسط ناتو برای روس های شبیه بمباران برادرانشان بود روس ها هیچگاه ادعای بمباران برای اهداف انسانی را نپذیرفتند ناتو در آن زمان نتوانسته بود. تأییدیه شورای امنیت سازمان ملل را برای این بمباران بگیرد و با این وجود بمباران را انجام داد و باعث شد نزدیک به ۵۰۰ نفر یوگسلاو غیر نظامی کشته شوند به همین دلیل روسیه بر این موضع است که ناتو با ساختن توجیهات انسانی عملیاتی هایی خارج از مرزها و حدودی که برای خود تعریف کرده انجام می دهد. دومین مثال لیبی است که ناتو در سال ۲۰۱۱ در کمپین جنگ علیه قذافی شرکت کرد. آن زمان رأی روسیه در شورای امنیت علیه لیبی ممتنع بود و معتقد بود که ورود

ناتو به این جنگ بیش از حد مداخله گرانه است. از طرفی تمام برنامه‌های روسیه را به هم ریخت روسیه برای ساخت پایگاه نیروی دریایی در مدیترانه در حال توافق با قذافی بود و از طرفی درصدد سرمایه گذاری در نفت لیبی بود با شرکت کردن ناتو در جنگ علیه قذافی همه برنامه‌های روسیه به هم خورد و روسیه به ناتو بدبین تر شد با همین دلایل روسیه ناتو را به دخالت در جاهایی که از اساس نامه این پیمان خارج است متهم می کند و آن را یک پیمان صرفا دفاعی نمی داند مثلا لیبی به هیچ وجه امنیت اروپا و اعضای ناتو را تهدید نمی کرد و حتی در برخی مسائل مثل خلع سلاح هسته ای در حال همکاری با کشورهای غربی بود.

۲- ناتو خود را فقط یک پیمان نظامی می داند اما روسیه معتقد است ناتو فقط نظامی نیست بلکه علاوه بر آن یک پروژه سیاسی و فرهنگی است. روسیه معتقد است که عضو شدن در ناتو به نوعی زیرساخت‌های حکومت داری را هم به سمت حکومت‌های غربی، سرمایه داری و دموکراتیک می برد. در عمل نیز این حرف درست است زیرا ناتو فقط کشورهایی را به عضویت قبول می کند که بر پایه دموکراسی، آزادی فردی و قانون است و ایدئالای غربی در آن‌ها برقرار است مثلا اسپانیا زمانی توانست عضو ناتو شود که حاکمیتش در سال ۱۹۸۲ به سمت دموکراسی حرکت کرد ناتو در سال ۱۹۹۱ به کشورهای وایس گرد یعنی چک، مجارستان، لهستان و اسلواکی بیان کرد که اگر مایل به عضویت در این پیمان هستید باید به سمت آزادسازی دموکراتیک و اقتصادی گام بردارید در سال ۱۹۹۰ اسلواکی را به نشست مادرید راه نداده بودند، چون رفتارهای نخست وزیرش غیردموکراتیک بود در نتیجه وقتی که شما عضو ناتو باشید باید مجموعه ای از زیرساخت‌ها را که فارغ از خوب و بد عملا ارزش‌های غربی هستند اتخاذ کنید این جاست که روسیه با استناد به این شرایط ناتو معتقد است که ناتو فقط یک پیمان نظامی نیست و عمیق تر است ناتو به ظاهر یک چتر نظامی است در حالی که پروژه ای فراتر از بحث نظامی است.

۳- سومین اختلاف بر سر این است که غرب ناتو را یک پیمان نگهدار صلح می بیند که برای جلوگیری از تکرار جنگ جهانی دوم ایجاد شده است؛ در صورتی که پوتین معتقد است هدف اصلی ناتو ضد روس بودن است و فقط می خواهد در مقابل روسیه بایستد پوتین اعتقاد دارد که غرب همیشه در صدد تصرف روسیه بوده و این دیدگاه پیشین‌های بسیار قدیمی دارد. پوتین معتقد است که نگاه ضد روس چندین قرن

است که در غرب وجود دارد و برای اثبات این حرف خود به ۵ تهاجم بزرگ غرب به روسیه در چند قرن اخیر استناد می کند: حمله لهستان به روسیه در قرن هفدهم، حمله سوئدی ها در قرن هجدهم، تهاجم ناپلئون در قرن نوزدهم و دو جنگ اخیر جهانی اول و دوم در قرن بیستم از طرف آلمان. پوتین بر این اساس باور دارد که ناتو در حال تکرار همان کارهایی است که آلمان نازی امپراتوری اتریش مجارستان و کشورهای مشترک المنافع لهستانی لیتوانیایی پیشتر انجام داده اند. پوتین معتقد است غربی ها به بهانه اینکه اوکراین یک کشور مستقل است و می تواند عضو هر پیمانی بشود، می خواهند کاری کنند که یک کشور ضد روس در همسایگی ما باشد.

از طرف دیگر برخی تحلیل ها اعتقاد دارند که اگرچه غرب و آمریکا به صورت تاکتیکی در حال اعمال فشار وحشتناکی بر روسیه اند و تقریباً همه را علیه این کشور شورانده اند ولی طبق یک اصل در استراتژی سیاست خارجی شما نیاز دارید که دشمنانتان را از هم دور کنید نه این که آن ها را متحد کنید این جاست که آمریکا در حال ارتکاب یک اشتباه استراتژیک است. تحلیلگران معتقد هستند که روسیه به هیچ وجه یک تهدید جدی برای آمریکا در این دوران نیست و عملاً یک قدرت در حال انحطاط است در حال حاضر رقیب اصلی غرب چین است که به طرز غیر قابل کنترلی در حال پیشرفت است غرب با این کار باعث شد که روسیه و چین وارد یک اتحاد شوند که می توانست به این شکل نباشد. آن ها می توانستند از روسیه در مقابل قدرت چین استفاده کنند؛ اما اکنون روسیه و چین با هم وارد تفاهمی شده اند که بدون هیچ محدودیتی بر دوستی و پیمان با یکدیگر متعهد می شوند. اکنون این دو کشور به حدی به هم نزدیک اند که در نیم قرن اخیر بی سابقه بوده و این برای روسیه به مثابه هدیه ای از بهشت است.

همین دوستی می تواند باعث شود که بسیاری از تحریم ها روی روسیه اثر نکنند زیرا دومین اقتصاد جهان به آن ها کمک می کند. اخیراً نیز قراردادی بسته اند که بر اساس آن روسیه نفت و گاز بیشتری به چین می فروشد و چین که یکی از بزرگترین مصرف کنندگان انرژی است از این رابطه استقبال می کند. حتی ممکن است که روسیه از برخی مکانیزم های چینی استفاده کند که محدودیت های مالی اش را نیز برطرف کند. جالب است بدانید که این روابط همیشه بدین شکل نبوده اند. چین در سال ۲۰۱۴ برای حمله به اوکراین به روسیه کمک نکرد و هنوز اشغال کریمه را به رسمیت نشناخته است حتی با مداخله روسیه در گرجستان هم موافق نبود و از روسیه حمایت نمی کرد.

بخش پنجم: کمک‌های نظامی خارجی به اوکراین

پس از تهاجم روسیه، ایالات متحده متعهد شد که نیروهای زمینی خود را برای دفاع از اوکراین، اعزام نکند، اما تحویل کمک‌های نظامی و جنگ‌افزار به اوکراین را شدت بخشید. بلژیک، جمهوری چک، استونی، فرانسه، یونان، هلند، پرتغال و بریتانیا اعلام کردند که تدارکاتی را برای حمایت و دفاع از ارتش و دولت اوکراین ارسال خواهند کرد. در ۲۴ فوریه، لهستان برخی از تجهیزات نظامی از جمله ۱۰۰ خمپاره، مهمات مختلف و بیش از ۴۰،۰۰۰ کلاه جنگی ایمنی را به اوکراین تحویل داد. برخی از ۳۰ عضو ناتو با ارسال سلاح موافقت کردند اما ناتو به عنوان یک سازمان با این موضوع، موافقت نکرد.

در ۲۷ فوریه، اتحادیه اروپا با خرید دسته‌جمعی تسلیحات برای اوکراین موافقت کرد. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که این اتحادیه، ۴۵۰ میلیون یورو (۵۰۲ میلیون دلار) سلاح کُشنده و ۵۰ میلیون یورو (۵۶ میلیون دلار) به‌عنوان تجهیزات غیرکُشنده برای اوکراین، فراهم خواهد کرد. بورل گفت که وزرای دفاع اتحادیه اروپا هنوز نیاز به تعیین جزئیات نحوه خرید مواد و انتقال آن به اوکراین دارند، اما لهستان موافقت کرده‌است که به‌عنوان مرکز توزیع عمل کند. بورل همچنین اظهار

داشت که قصد داشته‌اند که جت‌های جنگنده‌ای را که اوکراینی‌ها قادر به خلبانی آن‌ها هستند، به اوکراین اعزام کنند. لهستان، بلغارستان و اسلواکی دارای جنگنده‌های میگ-۲۹ و سوخو-۲۵ به عنوان جت‌های جنگنده‌ای بودند که خلبانان نیروی هوایی اوکراین، توان استفاده از آن را داشتند. به دلیل وحشت از این که روسیه این موضوع را یک اقدام جنگی بداند و این که خود کشورهای مبدأ نیز به این تجهیزات، نیاز حیاتی داشتند، این انتقال‌ها صورت نگرفت.

در ۲۶ فوریه، آنتونی بلینکن اعلام کرد که مجوز ۳۵۰ میلیون دلار کمک نظامی از سلاح‌های کُشنده، از جمله سیستم‌های ضدزره و پدافند هوایی، سلاح‌های کوچک و انواع مهمات با کالیبر مختلف، جلیقه ضدگلوله و تجهیزات حفاظتی مرتبط را صادر کرده‌است. روسیه اعلام کرد که پهبادهای ایالات متحده، اطلاعاتی را به نیروی دریایی اوکراین برای کمک به هدف قرار دادن کشتی‌های جنگی خود در دریای سیاه داده‌است، که ایالات متحده آن را رد کرد. در ۲۷ فوریه، پرتغال اعلام کرد که تفنگ‌های خودکار ژ ۳ و تجهیزات نظامی دیگری را به اوکراین، ارسال خواهد کرد. سوئد و دانمارک هر دو تصمیم گرفتند به ترتیب ۵،۰۰۰ و ۲،۷۰۰ سلاح ضدتانک به اوکراین ارسال کنند. دانمارک همچنین قطعاتی از ۳۰۰ موشک غیرعملیاتی استیونگر را اختصاص داده‌است و ایالات متحده نیز در ابتدا در عملیاتی کردن آن‌ها کمک خواهد کرد. ترکیه نیز تعدادی پهبادهای تهاجمی تی‌بی-۲ برای اوکراین، فراهم کرد.

دولت نروژ، پس از این که در ابتدا گفت که به اوکراین سلاح نمی‌فرستد، اما تجهیزات نظامی دیگری مانند کلاه ایمنی جنگی و تجهیزات حفاظتی را ارسال خواهد کرد، در ۲۸ فوریه اعلام کرد که تا ۲۰۰۰ سلاح ضدتانک ام-۷۲ LAW به اوکراین، اهدا خواهد کرد. در یک تغییر سیاست عمده برای یک کشور بی‌طرف، فنلاند اعلام کرد که ۲،۵۰۰ تفنگ تهاجمی همراه با ۱۵۰،۰۰۰ گلوله، ۱،۵۰۰ سلاح ضدتانک و ۷۰،۰۰۰ بسته جیره رزمی را علاوه بر جلیقه‌های ضدگلوله، کلاه جنگی ایمنی و تجهیزات پزشکی که قبلاً اعلام شده بود، به اوکراین ارسال خواهد کرد. برخی کارشناسان، خودداری کشورهای ناتو از اعزام نیروهای نظامی به اوکراین را سیاست مماشات می‌دانند.

بخش ششم: اهمیت اوکراین برای روسیه

- | ۱۴

۴) هویت و فرهنگ: برخی ملت روس را شامل اسلاوهای شرقی یعنی روس‌ها، بلاروس‌ها و کرآینی‌ها می‌دانند و معتقدند که شباهت‌های نژادی، زبانی و تاریخ مشترک اوکرآینی‌ها و بلاروس‌ها را هم در شمار ملت روس قرار می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

رخدادهای سال ۲۰۱۴ در اوکرآین شدیدترین تقابل بین روسیه و غرب در دورهٔ پسا شوروی است. در دورهٔ آغازین پسااستقلال، روسیه به دلیل مشکلات ناشی از فروپاشی، توان مقابله با نفوذ غرب در حوزهٔ پیشین اتحاد شوروی را نداشت. اما در سال ۲۰۰۰ و با ورود پوتین به ساختار قدرت روسیه، کرملین با نفوذ غرب به رویارویی جدی پرداخت. در این دوران روسیه تلاش می‌کرد تا ضمن گسترش روابط با اتحادیه اروپا و ایالات متحدهٔ آمریکا در معادلات جهانی به ایفای نقش مؤثر و مستقل بپردازد. از همین رو نیز در سال‌های اخیر، سیاست خارجی روسیه نمایانگر استفاده از ابزار گوناگون برای دستیابی به هدف‌های مسکو بوده است.

در واقع سیاست خارجی روسیه براساس عمل‌گرایی، کارآمدی اقتصادی و اولویت هدف‌های ملی پایه‌گذاری شده است و رهبران کرملین بارها به ضرورت استفاده از منابع و روش‌های گوناگون قدرت برای دستیابی به هدف‌های خود اشاره کرده‌اند. در دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی مفاهیمی مانند خارج نزدیک و آیین مونروئه روسی وارد ادبیات سیاست خارجی روسیه شد. آشکارترین جلوه‌های عملیاتی این مفاهیم را می‌توان در واکنش مسکو به رخدادهایی مانند انقلاب‌های رنگی، بحران ۲۰۰۸ گرجستان و بحران ۲۰۱۴ اوکرآین مشاهده کرد. اولین مقابله جدی روس‌ها با نفوذ غرب در حوزهٔ پیشین اتحاد شوروی، جنگ تابستان ۲۰۰۸ و مداخله مستقیم نظامی روسیه در گرجستان بود.

بحران سال ۲۰۱۴ اوکرآین را می‌توان ادامه همان سیاست سال ۲۰۰۸ دانست. واکنش روس‌ها در این بحران نشان از اهمیت زیاد اوکرآین برای روسیه دارد. روس‌ها ادغام اوکرآین در ساختارهای غربی را از میان‌رفتن عمق راهبردی خود می‌دانند و به همین دلیل به شدت با آن مقابله می‌کنند.

برنامه نفوذ غرب در شرق اروپا و حوزه پیشین اتحاد شوروی در قالب نفوذ در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی - نظامی قابل تعریف است. احساس خطر فزاینده روس‌ها از گسترش این نفوذ در رهنما نظامی این کشور قابل مشاهده است. با نگاهی به آیین نظامی روسیه از ابتدا تاکنون می‌توان به روند برد تدریجی تهاجمی شدن آن پی علت این تغییر را باید در وجود تهدیدهای بالقوه خارجی علیه این کشور جست‌وجو کرد.

در آخرین آیین نظامی روسیه که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، این کشور نگران گسترش و اصرار غرب در محدودسازی نقش و نفوذ روسیه است. در این سند ضمن معرفی ناتو به عنوان تهدید اصلی علیه امنیت ملی روسیه، آستانه تحمل استفاده از تسلیحات اتمی نیز نسبت به گذشته پایین آمد. این موضوع نشان‌دهنده افزایش تهدید غرب علیه روسیه و شدت واکنش آن به این تهدید است. هرچند در کوتاه‌مدت چشم‌انداز روشنی برای حل منازعه روسیه و غرب در اوکراین به چشم نمی‌خورد؛ اما دور از انتظار به نظر می‌رسد که دو طرف به دلیل پیوستگی‌های اقتصادی و نیز ملاحظات امنیتی - نظامی، بخواهند منافع راهبردی و بلندمدت خود را فدای آن کنند.

در کوتاه‌مدت ممکن است که روس‌ها با گسترش روابط با آسیا، بریکس، قدرت‌هایی چون چین و هند و کشورهای منطقه مانند ایران به دنبال جایگزینی شرق در سیاست خارجی خود باشند؛ ولی با توجه به هزینه‌های رویارویی با غرب در بلندمدت، برای کاهش تنش با آن حرکت خواهند کرد. در مقابل، اتحادیه اروپا نیز با توجه به وابستگی به انرژی روسیه و همچنین داشتن روابط گسترده تجاری با این کشور به دنبال ترمیم روابط با روسیه خواهد بود. در این میان آلمان با توجه به داشتن پیوندهای گسترده اقتصادی و تجاری با روسیه، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. ایالات متحده نیز هرچند در زمینه‌های تجاری و انرژی با روسیه مناسبات گسترده ندارد؛ اما واکنش کرملین در این بحران، بار دیگر به این کشور نشان داد که روسیه را نمی‌توان نادیده گرفت.

گسترش روابط روسیه با قدرت‌های نوظهور در قالب سازمان‌هایی چون شانگهای و بریکس و نیز فعال شدن سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه و همکاری با کشورهایی مانند ایران، سوریه، عراق و مصر، این پیام را برای ایالات متحده دارد که روسیه ضمن مخالفت با یکجانبه‌گری‌های آن با جدیت

به دنبال تحقق ایده نظام چندقطبی و به دست آوردن جایگاه شایسته در مناسبات بین‌المللی است. آمریکا نیز با توجه به چرخش اولویت سیاست خارجی‌اش به سوی پاسیفیک و مهار چین، ترجیح می‌دهد که کمتر به جدال مستقیم با کرملین وارد شود و این بحران را از راه اتحادیه اروپا مدیریت کند.

رفتار روسیه در بحران اخیر ناشی از تهدیدات ادراک شده این کشور از سوی غرب آمریکا و اروپا است. روسیه، منبع این تهدیدات را اساساً گسترش اتحادیه اروپا، گسترش ناتو و بسط ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب به قلمرو نفوذ و حیات خلوت خود در اروپای شرقی و کشورهای مشترک المنافع و غایت آن را به حاشیه رفتن از صحنه قدرت جهانی می‌داند. از آن جا که روسیه همچنان خود را به مثابه یک ابرقدرت حداقل از نظر نظامی در عرصه بین‌الملل تلقی می‌کند، گسترش و فرون خواهی اتحادیه اروپا و ناتو را نوعی خطر علیه امنیت ملی خود دانسته و آن را در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل از بین بردن مناطق حائل روسیه و بی‌توجهی به این کشور بزرگ میدانند پوتین پایان شوروی را بزرگترین تراژدی ژئوپلیتیک قرن بیستم دانسته و کماکان خواهان آن است که غرب و ناتو از تمام کشورهایی که در گذشته جزو پیمان ورشو بودند عقب نشینی کنند و تضمین بدهند که هرگز به سمت شرق توسعه نیابند روسیه همیشه به توسعه ناتو اعتراض کرده و خواهان یک ساختار امنیتی فرا اروپایی است که خودش هم نقش مهمی در آن داشته باشد.

از نظر مسکو برتری و یکجانبه گرایی غرب در تصمیمات سیاسی مشخص در قبال روسیه به راحتی می‌تواند به عنوان تهدید یا حتی نقض نگرانی‌های امنیتی روسیه تلقی شود. برای نمونه مداخله در کوزوو، که در برابر مخالفت‌های صریح روسیه و علیه صربستان، متحد روسیه انجام شد جنگ عراق که در آن اعضای جدید اتحادیه اروپا (یعنی کشورهای اروپای شرقی با آمریکا متحد شدند تا علیرغم مخالفت‌های فرانسه، روسیه و آلمان به طور غیرقانونی مداخله کنند.

مداخله لیبی؛ نمونه دیگری از مداخله گرایی نظامی غرب، استفاده از ناتو به عنوان ابزاری برای گسترش ماموریت سازمان ملل؛ حمایت بازیگران طرفدار غرب در اروپای شرقی مانند انقلاب گل سرخ در گرجستان انتقاد از وضعیت حقوق بشر و سیاست قفقاز روسیه و در نهایت گسترش اتحادیه اروپا و در درجه اول ناتو به سمت شرق اگرچه از نگاه غرب، هیچ یک از این تصمیمات سیاسی تهدیدی برای



روسیه محسوب نمی شود و همه آن‌ها را می توان به عنوان مسالمت آمیز طرفدار دموکراسی یا تدافعی تفسیر کرد، اما این امر در ذهنیت رهبران روسیه پس از فروپاشی شوروی یک تهدید امنیتی جدی برای این کشور تلقی شده است که تلاش دارد یکبار دیگر راهبرد مهار را در قبال روسیه در پیش بگیرد.

منابع و مأخذ:

۱. افراسیابان. (۲۰۲۲). سه‌گانه آمریکا، روسیه و اوکراین در ساختار نظام بین‌الملل سال ۲۰۲۲. پژوهش‌های علمی، ۷۵(۷)، ۹۹-۱۱۶.
۲. درج. (۲۰۲۲). تأثیر جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بر اقتصاد بین‌الملل. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۱۸)، ۳۷-۶۰.
۳. سمیعی اصفهانی، فرحمند. (۲۰۲۲). جنگ روسیه - اوکراین و آینده نظم بین‌المللی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۱۸)، ۸۷-۱۱۳.
۴. زارعی، نسیم. (۲۰۲۲). تحلیل بر نوسان قیمت جهانی محصولات گندم، جو، ذرت و سویا (پس از شروع جنگ روسیه و اوکراین). ماهنامه علمی «امنیت اقتصادی»، ۱۰(۶)، ۲۹-۴۲.
۵. Shahzad, U., Mohammed, K. S., Tiwari, S., Nakonieczny, J., & Nesterowicz, R. (۲۰۲۳). Connectedness between geopolitical risk, financial instability indices and precious metals markets: Novel findings from Russia Ukraine conflict perspective. Resources Policy, ۸۰, ۱۰۳۱۹۰.
۶. Lin, F., Li, X., Jia, N., Feng, F., Huang, H., Huang, J., ... & Song, X. P. (۲۰۲۳). The impact of Russia-Ukraine conflict on global food security. Global Food Security, ۳۶, ۱۰۰۶۶۱.
۷. Lim, W. M., Chin, M. W. C., Ee, Y. S., Fung, C. Y., Giang, C. S., Heng, K. S., ... & Weissmann, M. A. (۲۰۲۲). What is at stake in a war? A prospective evaluation of the Ukraine and Russia conflict for



business and society. Global Business and Organizational Excellence, ۴۱(۶), ۲۳-۳۶.

۸. Jagtap, S., Trollman, H., Trollman, F., Garcia-Garcia, G., Parra-López, C., Duong, L., ... & Afy-Shararah, M. (۲۰۲۲). The Russia-Ukraine conflict: Its implications for the global food supply chains. Foods, ۱۱(۱۴), ۲۰۹۸.
۹. Yousaf, I., Patel, R., & Yarovaya, L. (۲۰۲۲). The reaction of G۲۰+ stock markets to the Russia-Ukraine conflict "black-swan" event: Evidence from event study approach. Journal of Behavioral and Experimental Finance, ۳۵, ۱۰۰۷۲۳.
۱۰. Steffen, B., & Patt, A. (۲۰۲۲). A historical turning point? Early evidence on how the Russia-Ukraine war changes public support for clean energy policies. Energy Research & Social Science, ۹۱, ۱۰۲۷۵۸.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

مصدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با عضویت در جلسه و حضور نام مشخص)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
Scientific Information Database
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information Database
  DRJI
Directory of Research Journals Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science